

## حسینیه آیت‌الله‌حق‌شناس | دین و زیبایی‌های آن - ۱

**پناهیان: در مقابل زیبایی و حلاوت دین، کسی حرفی برای گفتن ندارد / درک زیبایی دین، شاخصی برای**

### **سنجش میزان ارتباط با دین است**

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در اولین روز محرم، در حسینیه آیت الله حق شناس گفت: کسی که زیبایی دین را درک می‌کند، احساس بدهکاری به دین و خدا پیدا می‌کند، نه احساس طلبکاری. کسی که احساس طلبکاری داشته باشد و فکر کند در ازاء کاری که انجام داده، بهره کافی نبرده است و فقط رنج و زحمت کشیده است، چنین کسی عجب پیدا می‌کند.

بخش‌هایی از **اولین روز** سخنرانی علیرضا پناهیان در حسینیه آیت الله حق شناس با موضوع: «**دین و زیبایی‌های آن**» را در ادامه می‌خوانید:

### **ضرورت فردی درک زیبایی دین: اگر کسی زیبایی دین را درک نکند، به عجب مبتلی می‌شود**

- ما به دلایل مختلف باید زیبایی‌های دین و رفتار دینی را درک کنیم. یکی از آن دلایل این است که اگر کسی زیبایی دین را به خوبی درک نکند و از دین لذت نبرد، احتمال زیاد دارد که دچار بیماری عجب شود. و می‌دانید که بیماری عجب تقریباً یک بیماری فراگیر و لاعلاج است. خیلی سخت است که کسی آدم خوبی باشد ولی دچار عجب نشود. اگر بخواهید دچار عجب نشوید، باید از این کار خوب لذت ببرید و زیبایی آن را درک کنید. **کسی که زیبایی دین را درک می‌کند، احساس بدهکاری به دین و خدا پیدا می‌کند، نه احساس طلبکاری. کسی که احساس طلبکاری داشته باشد و فکر کند در ازاء کاری که انجام داده، بهره کافی نبرده است و فقط رنج و زحمت کشیده است، چنین کسی عجب پیدا می‌کند.** این یک دلیل درونی و فردی برای درک زیبایی‌های دین است.

### **ضرورت اجتماعی درک زیبایی دین: تبلیغ دین و تأثیر گذاشتن بر دیگران**

- یکی از ضرورت‌های اجتماعی درک زیبایی دین این است که امروزه برای مقابله با دنیایی که زیبایی‌های خودش را به رخ ما می‌کشد، ما هم باید زیبایی‌های دین را نشان بدهیم. نمی‌توان همیشه در مقابل دنیاگرایان و دنیاگرایی‌ها از استدلال استفاده کرد. ما باید به تفکر مادی «نشان» دهیم که اتفاقاً دنیای ما زیباتر از دنیای آنها است؛ نه اینکه جواب دیگری بدهیم و بحث کنیم که «همه چیز که زیبایی نیست!»، و یا «انسان باید به فکر چیزهای دیگر و مهمتر هم باشد و زیبایی خیلی مهم نیست!».

### **در مقابل زیبایی و حلاوت دین، کسی حرفی برای گفتن ندارد / زیبایی دین؛ بیانی مشترک برای تبلیغ دین**

- باید زیبایی‌های دین را درک کرده و نگاه زیبایی شناختی به دین داشته باشیم؛ تا بتوانیم زیبایی‌های دین را به دیگران منتقل کنیم تا همه در مقابل زیبایی‌های دین تسلیم شوند. در مقابل زیبایی و حلاوت دین، کسی حرفی برای گفتن ندارد. **لذت بردن از دین باید در چهره و رفتار ما دیده شود. چرا مسیحی‌ها به امام حسین(ع) و مجالس ایشان علاقه‌مند می‌شوند؟ چون علاقه ما را به این زیبایی می‌بینند.**

• مردم با زیبایی زیاد برخورد دارند ولی در مورد خیلی از چیزهای دیگر اصلاً نمی‌توان با مردم حرف زد، چون زبان مشترکی با مردم دنیا نداریم ولی زیبایی اینطور نیست. دین ما زیبایی دارد و ظرفیت دل بردن از اهل عالم را دارد ولی حیف که آن را پشت درهای بسته قرار داده‌ایم. برای تبلیغ دین نیاز به درک زیبایی‌های دین داریم تا بتوانیم این زیبایی‌ها را تبلیغ کنیم.

• حضرت امام(ره) در وصیت‌نامه خود می‌فرماید: «اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی‌های دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گرانبها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند» (صحیفه امام/۲۱/۴۲۹)

### درک زیبایی دین، شاخصی برای سنجش میزان ارتباط با دین است/ اگر ایمان در دل کسی قرار گرفته باشد، باید زیبایی ایمان را بچشد

• گذشته از این دو ضرورت فردی و اجتماعی برای درک زیبایی دین، خود «دین» زیباست. در نتیجه نمی‌توان با دین ارتباط برقرار کرد ولی این زیبایی را درک نکرد. لذا درک زیبایی‌های دین، شاخصی برای این است که آیا اصلاً ارتباطی با دین اتفاق افتاده است یا خیر؟ آیه قرآن می‌فرماید: **وَ لَکِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیْمَانَ وَ زَيَّنَّهٗ فِی قُلُوبِکُمْ وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیَانَ أُولَئِکَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (حجرات/۷)** اگر ایمان در دل کسی قرار گرفته باشد، باید زیبایی ایمان را بچشد.

### چرا بعضی‌ها از گناه بدشان می‌آید، اما از کفر بدشان نمی‌آید؟

• در نقطه مقابل زیبایی دین، سه زشتی و پلیدی وجود دارد که این زشتی و پلیدی را هم می‌توان توسط روح و قلب درک کرد. این سه پلیدی عبارتند از: کفر، فسوق و عصیان.

• با توجه به آیه مذکور، اولین چیزی که زشتی آن در قلب درک می‌شود، کفر است. در مرحله بعد فسوق قرار دارد. فسق، گناه بزرگ و علنی و عمدی است. بعد از فسق، عصیان و گناه قرار دارد. **ابتدا باید از کفر بدمان بیاید؛ ولی خیلی از انسان‌ها هستند که از گناه بدشان می‌آید ولی از کفر و بی‌ایمانی بدشان نمی‌آید. مثلاً از بداخلاقی و تندخویی دیگران ناراحت می‌شوند ولی از اینکه بی‌ایمان است اصلاً ناراحت نمی‌شوند. چه کسانی اینگونه هستند؟ کسانی که به شدت خودخواه و خودپسند هستند، چون پدیده‌ای را ببینند که به خودشان بر بخورد، از آن بدشان می‌آید و ناراحت می‌شوند، ولی اگر چیزی ببینند که به خدا بر می‌خورد؛ اصلاً ناراحت نمی‌شوند؛ پس خودخواه هستند.**

### بعضی‌ها از بی‌حجابی بیشتر از هر چیز دیگری بدشان می‌آید ولی از کسی که ولایت ندارد، بدشان نمی‌آید

• البته باید توجه کنیم که معنای **کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ**، برخورد زشت و درگیر شدن با فرد بی‌ایمان یا طرد کردن او نیست. حتی ممکن است چنین آدمی نیاز به ترحم و دلسوزی هم داشته باشد، ولی مهم این است که از کفر بدمان بیاید.

• کسی از کفر بدش می‌آید، که ابتدا ایمان در قلب او زیبا شده باشد و ایمان محبوب او باشد. چنین فردی ابتدا از کفر، بعد از فسوق و بعد از عصیان بدش می‌آید. بعضی‌ها از بی‌حجابی بیشتر از هر چیز دیگری بدشان می‌آید ولی از کسی که ولایت ندارد، بدشان

نمی‌آید. فکر دینی چنین فردی درست تنظیم نشده است و مسأله و دغدغه‌اش با مسائل و دغدغه‌های دین متفاوت است. او اندازه‌ها را درست ندیده و رعایت نکرده است. از این جهت بسیار باید مراقب بود.

- در روایتی از پیامبر اکرم(ص) که مرتبط با بحث شکر است، می‌توان نمونه‌ای از اندازه‌ها را دید. ایشان می‌فرمایند: **لَأَنَا أَشَدُّ عَلَيْكُمْ خَوْفًا مِنَ النَّعَمِ مِنِّي مِنَ الذُّنُوبِ؛** من درباره شما از نعمتها بیشتر از گناهان بیمناکم(نهج‌الفصاحه/۶۲۱). در این روایت، حضرت می‌خواهند ما را با اندازه‌ها آشنا کنند. شکر، یکی از جلوه‌های زیبایی دین است. وقتی کسی زندگی شاکرانه داشته باشد، بندگی زیبایی هم خواهد داشت.
- زیبایی دین هم یک ضرورت است و هم فوایدی هم دارد. ضرورتش این است که اگر کسی زیبایی دین را نچشیده باشد، ایمان را هم درک نکرده است. فایده‌اش هم این است که کسی که زیبایی دین را درک کرده، اولاً عجب پیدا نمی‌کند و ثانیاً می‌تواند ایمانش را به دیگران هم منتقل کند.
- آن سوی سکه ضرورت درک زیبایی دین، ضرورت کراهتی است که از کفر پیدا می‌شود؛ مانند همان کراهتی که در وجود حضرت امام(ره) نسبت به کفر ایجاد شده بود و انقلاب به پا کرد تا با کفر مبارزه کرده باشد.

### امام حسین(ع)؛ یک زیبایی درک شده از دین...

- اما برای درک زیبایی دین باید جلوه‌ای از این زیبایی را از قبل چشیده باشیم تا بتوانیم درباره این مسایل صحبت کنیم. آن زیبایی که مزه‌اش را چشیده‌ایم زیبایی محبت امام حسین(ع) و گریه بر ایشان است. در طرف مقابل هم زشتی دوری از امام حسین(ع) را درک کرده‌ایم. کسانی که حسین(ع) را دیدند ولی زیبایی او را درک نکردند، به سرعت به دشمنان حضرت تبدیل شدند....

